

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۲۸

موضوع: حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) در آئینه کلام امیرالمؤمنین

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

الا که راز خدایی خدا کند که بیایی

تو نور عرض و سمایی خدا کند که بیایی

شبی که بی تو برآید خدا کند که نباشد

سرآید و تو برآیی خدا کند که بیایی

«اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و جعلنا من خیر أعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه»

سلام و درود به پیشگاه آقا جانمان حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) و به محضر آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه). سلام خدمت شما مردم عزیز و همراهان خوب، مهربان، دوست داشتنی و با محبت «شبکه جهانی ولایت».

خیلی خوشحالیم که امشب هم به خانه‌های شما آمدیم تا برنامه زنده «اخلاق علوی» را تقدیم حضور شما کنیم.

با نام و یاد آقا جانمان حضرت صاحب الزمان و حضرت مولا حیدر کرار امیرالمؤمنین برنامه را آغاز کردیم. از این دو نور آسمانی و این دو بزرگوار مدد می‌گیریم تا ان شاءالله هرآنچه در زندگی ما هست پر از نور و معنویت باشد و هرآنچه خیر و صلاح است در زندگی ما رقم بخورد.

اگر دوست دارید برای ما پیام بدهید ما همین الان آماده هستیم پیام‌های شما را از طریق راه‌های ارتباطی که برای شما زیرنویس شده دریافت کنیم.

سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» هست؛ دوستانی که در ایران هستند و در شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز ایران زندگی می‌کنند از این طریق می‌توانند برای ما پیام بدهند.

همچنین شماره فضای مجازی ما «۰۰۹۸۹۳۰۸۷۶۸۰۰۴» در اختیار شما هست و می‌توانید این شماره را روی تلفن همراه خودتان داشته باشید تا از طریق برنامه‌های واتس‌آپ، تلگرام و وایبر برای ما پیام بدهید.

هرجای این عالم هستید به ما پیام بدهید و ان شاءالله ما پیام‌های پر از مهر و محبت شما را دریافت خواهیم کرد.

برنامه زنده امشب ما برنامه «اخلاق علوی» است؛ اگر در ذهن شریفتان باشد ما در برنامه «جبل المتین» یکشنبه شب و برنامه قبل از آن که در مسجد مقدس جمکران بودیم پیوندی به بحث مهدویت زدیم.

از آنجایی که مشاهده می‌کنیم در برخی از شبکه‌های وهابی صهیونیستی که دشمن واقعی اهل بیت (علیهم السلام) هستند، شبهانی مطرح می‌کنند پیرامون اینکه آیا اصلاً امیرالمؤمنین روایتی در مورد وجود نازنین امام زمان و بحث مهدویت نقل کردند، یا خیر!؟

این افراد گاهی اوقات فریاد می‌زنند: "شما که این قدر دم از مهدویت می‌زنید اگر راست می‌گویید چرا امیرالمؤمنین روایتی در مورد مهدویت بیان نکرده‌اند!؟"

ما به همین خاطر میان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) پیوند زدیم و از این جهت که برنامه ما هم «اخلاق علوی» نام دارد تصمیم گرفتیم این بحث را در این برنامه به جایی برسانیم.

بعد از اتمام این مبحث ان شاءالله سعی می‌کنیم یکشنبه شبها و پنجشنبه شبها روال طبیعی برنامه‌ها و موضوعات خود را دنبال کنیم.

در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. استاد سلام علیکم و رحمة الله، خیلی خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرمی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده برنامه ما هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت همه گرامیان را از خداوند منان خواهانم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) فرج آن بزرگوار را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و از سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری همه ما و شما گرامیان را برطرف کند، حوائج ما و شما را برآورده سازد و دعاهای همه ما را به اجابت برساند؛ ان شاءالله.

مجری:

خیلی متشکرم. همان‌طور که می‌دانید فردا اتفاق مهمی در ایران اسلامی رخ می‌دهد و آن هم حضور پرشکوه مردم در انتخابات است. الحمدلله و خدا را شکر که واقعاً امنیت به تمام معنا در کشور ما وجود دارد و این هم نعمت بزرگی است که باید قدر آن را بدانیم.

زمانی که نگاهی به اوضاع کشورهای منطقه و کشورهای دنیا می‌اندازیم، می‌بینیم که این اتفاق نمی‌افتد و اگر هم انتخاباتی برگزار می‌کنند مشکلات فراوانی با آن دارند.

الحمدلله مردم کشور ما شور انتخاباتی دارند و در نهایت امنیت هم وجود دارد که ان‌شاءالله قردان این نعمت باشیم.

استاد همان‌طور که در مقدمه عرایض عرض کردم بحث مهدویت از نگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بحث بسیار مهمی است.

نکته‌ای که شبکه‌های وهابی - صهیونیستی گاهی اوقات روی آن مانور می‌دهند و طبق آن شبهاتی را مطرح می‌کنند واژه‌ای است که زمین از حجت خالی نیست!! به اعتقاد شیعیان و اهل سنت؛

«لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق؛ محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد؛ دار الكتب الإسلامية؛ ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰

ما مسلمانان معتقدیم که اگر حجت خدا روی زمین نباشد، زمین و آسمان در هم ریخته می‌شود و حیات و زندگی اصلاً معنا ندارد.

ما می‌خواهیم از یک زاویه و از یک نگاه دیگر به این موضوع پردازیم و ببینیم اصلاً از وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حدیث صحیح‌السند در این زمینه داریم، یا خیر؟!

حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) در آئینه کلام امیرالمؤمنین

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب ادخلنى مدخل صدق و اخرجنى مخرج صدق و اجعل لى من لدنك سلطانا نصيرا

به نکته خوبی اشاره کردید؛ زمین از حجت حق خالی نیست. این نکته برای کسانی که به دنبال تحقیق و بررسی هستند نکته ظریفی است.

افرادی که به دنبال این هستند که اعتقاداتشان را با سند صحیح نبی گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت تطبیق بدهند باید به تحقیق و پژوهش در این زمینه بپردازند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً»

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند.

«كلهم في النار إلا مِلَّةً وَاحِدَةً»

همه این فرقه غیر از یک فرقه اهل آتش جهنم هستند.

الجامع الصحيح سنن الترمذي، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون؛ ج ٥، ص ٢٦، باب ما جاء في

أفتراق هذه الأمة؛ ح ٢٦٤١

به فرمایش پیغمبر اکرم از میان ۷۳ فرقه، ۷۲ فرقه گرفتار آتش جهنم هستند. و هر فرقه‌ای مدعی است که ما فرقه ناجیه هستیم.

شیعه معتقد است صحابه صالح، صحابه مطهر و صحابه پاک کسانی هستند که در رأس آن‌ها حضرت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، «سلمان»، «ابوذر» و «مقداد» می‌باشند.

این در حالی است که عزیزان اهل سنت، وهابیت، اشاعره، معتزله، ماتریدی‌ها هرکدام نظر و عقیده‌ای جداگانه دارند.

این روایت در حقیقت اعلان خطری برای همه مسلمانان است مبنی بر اینکه آیا واقعاً عقیده‌ای که به آن ملتزم هستیم و اعتقاداتی که بر آن عقیده داریم جزء فرقه ناجیه هست یا جزء فرقه هالکه است؟!؟

این مسئله شوخی‌بردار نیست؛ اگر انسان خدای نکرده یک مرتبه چشم خود را باز کند و ببیند عمری زحمت کشیده و مشغول عبادت بوده، اما زمانی که ملک الموت بیاید ورق برگردد.

نقل شده روزی «فخر رازی» به شدت گریه می‌کرد. از او پرسیدند: چرا گریه می‌کنی؟! او در جواب گفت: من ۷۰ سال به مسئله‌ای عقیده داشتم، اما امروز برایم روشن شد که آن عقیده باطل بوده و از آن عقیده برگشتم.

اطرافیان به او گفتند: این اتفاق جای شکر دارد و جای خوشحالی است. او در جواب گفت: گریه من از این جهت است که شاید دیگر عقاید من هم این چنین باشد و من خبر نداشته باشم.

شاید عقاید دیگری برای من روشن نشده باشد. اگر زمانی که وارد برزخ می‌شوم یک مرتبه ببینم عقاید دیگر من هم مخالف با حق و واقعیت بوده چکار کنم؟!؟

بنابراین روایتی که به آن اشاره کردید مبنی بر اینکه: "زمین از حجت خدا خالی نیست!!" نکته ظریفی است. ما باید ببینیم که از میان مذاهب اسلامی کدامیک از مذاهب اعتقاد دارند بر اینکه حجت خدا روی زمین هست.

در این زمینه اولاً به سراغ کتاب «نهج البلاغه» امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌رویم، زیرا بحث اخلاق علوی مطرح شده است. در کتاب «نهج البلاغه» با تحقیق دکتر «صبحی الصالح» استاد اسلامیات در دانشکده ادبیات دانشگاه لبنان است.

در خطبه ۱۴۷ وارد شده است که «کمیل بن زیاد نخعی» می‌گوید: امیرالمؤمنین دست مرا گرفت و به صحرا برد. آن حضرت نفس عمیقی کشیدند و فرمودند:

«يَا كَمِيلَ بْنَ زِيَادٍ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ»

ای کمیل! بدان که این قلب‌ها به منزله ظرف است و بهترین قلب‌ها و بهترین ظرفی است که وسیع‌تر باشد و مطالب بیشتر و سالم‌تری را در خود جای بدهد. به آنچه من می‌گویم دقت کن و گفته‌های مرا حفظ کن.

روایت طولانی است تا جایی که حضرت می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ»

زمین هرگز از حجت خدا که برای خدا قیام می‌کند خالی نمی‌شود.

«إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا»

خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان.

حجت ظاهری خداوند پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) هستند. همان‌طور که نبی گرامی اسلام در اثر فشار قریش از ترس جان خود از مکه بیرون رفتند و سه شبانه روز در غار ثور مخفی شدند امکان دارد که حجت الهی مخفی باشد.

همچنین رسول گرامی اسلام به خاطر ترس از قریش سه سال به صورت مخفیانه و پنهانی مردم را به اسلام دعوت می‌کردند. مخفیانه بودن حجت الهی ضروری به حجت بودن ایشان نمی‌زند.

لذا امیرالمؤمنین می‌فرماید: حجت الهی باید بر روی زمین باشد؛ خواه ظاهری و آشکار یا پنهانی و غایب.

«لَيْلًا تَبْطَلُ حُجْجَ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ»

تا دلائل خداوند و نشانه‌های روشن او از میان نرود.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۹۵، خ

۱۴۷

حجت خداوند باید روی زمین باشد تا حجت خدا بر مردم و بینات مردم باطل نشود. حجت خداوند روی زمین به این جهت است که اگر خداوند فردای قیامت خواست مردم را به سوی آتش جهنم ببرد که چرا به فرمایشات الهی عمل نکردید، نگویند چرا برای ما حجت نفرستادی!

این مطالب در کتاب «نهج البلاغه» امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به روشنی بیان شده است.

روایتی در کتاب «کمال الدین» مرحوم «شیخ صدوق» با سندهای متعدد بیان شده است. در صفحه ۲۷۵ و ۲۷۶ وارد شده است:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ»

آری هرگز روی زمین خالی نمی‌شود از کسی که با حجت الهی قیام کند، خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۲

ما معتقدیم اگر هم حجت الهی غایب باشد، غایب بودن ایشان به این معنا نیست که مردم از برکات آن بزرگوار استفاده نکنند. حجت الهی تصرفاتی در عالم کون و عالم شریعت دارد، اما بدون آنکه مردم توجه کنند.

به عنوان مثال می‌توانیم به ماجرای حضرت موسی و حضرت خضر اشاره کنیم. حضرت خضر حجتی از حجت‌های الهی و ولیی از اولیاء الهی است. خداوند عالم این مطالب را تنها به عنوان داستان برای ما بیان نفرموده است، زیرا قرآن کریم کتاب داستان سرایی نیست.

خداوند عالم می‌خواهند به ما بفرمایند که اگر در آینده حجتی از حجت‌های الهی مخفی شد مردم گمراه نشوند و در بعضی از شبکه‌های شیطانی مطالب نادرستی بیان کنند تا دیگران را گمراه کنند.

حضرت خضر در روی زمین هستند درحالی‌که کسی از وجود ایشان باخبر نیست. ایشان «خَافٍ مَغْمُور» هستند، حتی حضرت موسی با آن جلالت از وجود ایشان باخبر نیستند.

حضرت موسی به صورت اتفاقی مصاحبه و رفاقتی با او می‌گیرد و تصرفات یکی دو ساعته ایشان را مشاهده می‌کند و می‌بیند که ایشان در عالم کون از ولایت تکوینی استفاده می‌کند.

حضرت خضر کشتی را سوراخ می‌کند. سپس وارد روستایی می‌شوند و وقتی که طلب غذا می‌کنند و مردم روستا غذا نمی‌دهند حضرت خضر دیواری را بنا می‌کند. بعد از این اقدام فرزند بیگناهی را در جای دیگری می‌کشد.

این وقایع برای حضرت موسی قابل تحمل نبود، علی رغم اینکه حضرت خضر شرط کرده بود که حضرت موسی از او سؤالی نپرسد. زمانی که حضرت موسی از حضرت خضر سؤال می‌پرسد و علت آن قضایا را از ایشان می‌پرسد، حضرت خضر می‌گوید: اگر من کشتی را سوراخ کردم به این جهت بود که جبار و ستمگری می‌خواست این کشتی را به طور کلی تصرف کند.

من کشتی را سوراخ کردم تا حداقل این کشتی معیوب در دست صاحب خود بماند و از این طریق امرار معاش و زندگی کند. اگر کشتی از دست صاحبش می‌رفت، صاحب کشتی بیچاره و بدبخت می‌شد.

حضرت خضر در مورد دیواری که بنا کرده می‌گوید: در زیر دیوار گنجی است که متعلق به فرزندان مردی صالح است. فرزندان او بعد از اینکه بزرگ شدند این گنج را برمی‌دارند. مشاهده کنید حضرت خضر به فکر فرزندان صالحی است که بعداً به دنیا خواهند آمد.

حضرت خضر در مورد کشتن آن فرزند بیگناه می‌گوید: اگر این فرزند زنده می‌ماند هم خود گمراه می‌شد و هم پدر و مادر خود را گمراه می‌کرد و باعث ضلالت آن‌ها می‌شد. خداوند متعال در عوض این فرزند، فرزند صالحی به آن‌ها عطا خواهند کرد.

مشاهد کنید اگر قرآن چنین مطالبی را بیان نکرده بود و این مطالب توسط یکی دیگر از بزرگان مطرح شده بود، اولین کسانی که داد و فریادشان گوش کرویbian را کر می‌کرد کارشناسان شبکه‌های شیطانی بود.

مطمئناً کارشناسان شبکه‌های شیطانی ادعا می‌کردند: مگر امکان دارد انسان بدون گناه فرزند کسی را بکشد، کشتی کسی را سوراخ کند!؟

شما که الفبای اسلام و توحید را نمی‌دانید کلاس توحید و اسلام شناسی برای مردم گذاشتید؟! خدای شما الاغ سوار است، خدای شما جوانی بی‌مو است که رسماً اعلام می‌کند می‌تواند هزاران خدا همانند خود بیافریند.

در حالی که قرآن کریم می‌فرماید:

(لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا)

اگر در آسمان و زمین خدایانی جز "الله" بود فاسد می‌شدند (و نظام جهان برهم می‌خورد).

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۲۲

حال اگر هزار خدا روی زمین باشد چه خواهد شد؟! این آقایان اصلاً در الفبای توحید مشکل دارند، حال ادعا می‌کنند که ما موحد هستیم و شیعیان مشرک هستند.

برنامه‌ای که دیروز آقای «کالکرابی» اجرا کرد نام مسمایی داشت که ان‌شاءالله یکشنبه شب در برنامه زنده «حبل المتین» به این مطالب اشاره کنم.

بنده به بعضی از آقایانی که شبکه‌های شیطانی را شبکه‌های اهل سنت می‌دانند سؤالی خواهم پرسید و آن‌ها را به این سادگی رها نمی‌کنم.

کارشناسان وهابی که نامی در ردیف نام‌های بساط شیطانی گذاشته بودند که واقعاً نام با مسمایی است. آن‌ها در همین یک ساعت حدود ۵۰ مورد به علمای شیعه فحش دادند و توهین کردند.

بنده تقاضا کردم دوستانم لیستی از این توهین‌ها تهیه کنند تا ببینیم که آیا منطبق اهل سنت چنین است یا نه؟! هیچ اهل سنتی حاضر نیست در یک ساعت ۵۰ بار چنین فحش بدهد و توهین کند.

اگر این افراد حرفی برای گفتن دارند حرف بزنند، توهین و فحاشی چه معنایی دارد؟! این افراد واقعاً باید تکلیف خود را با این شبکه‌ها روشن کنند و واقعاً مشخص شود این شبکه‌ها، شبکه اهل سنت هستند یا اهل بدعت هستند؟! ما باید بدانیم که این شبکه‌ها، شبکه اسلامی است یا شبکه شیطانی است؟!

بنابراین اینکه امیرالمؤمنین می‌فرماید حجت یا ظاهر است و یا مخفی است کاملاً روشن است. همچنین در روایت بعد وارد شده است:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَنْ تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۹۲، ح ۲

همچنین در صفحه بعد وارد شده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ»

خدایا تو هرگز زمین را از حجت خالی نمی‌گذاری.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۹۳، ح ۲

این حدیث اسانید متعددی دارد. همچنین در صفحه ۲۷۷ همین تعبیر با یک سند دیگر وارد شده است و باز هم در صفحه ۲۷۸ این روایت با سندهای دیگر بیان شده است.

مشاهده کنید که مرحوم «شیخ صدوق» حدود ۱۲ سند برای این روایت بیان کرده است. نکته دیگر که در اینجا وجود دارد این است که این روایت تنها منحصر به کتاب شریف «نهج البلاغه» و کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» نیست.

بزرگان اهل سنت این روایات را یا از امیرالمؤمنین نقل کردند و یا از نسبت دادن این روایات به امیرالمؤمنین خجالت کشیدند.

این افراد مشاهده کردند که اگر این روایات را به خودشان نسبت بدهند بهتر از این است که به امیرالمؤمنین نسبت بدهند و مستقیم از خودشان نقل کردند.

در کتاب «تذكرة الحفاظ» اثر «ذهبی» جلد اول صفحه ۱۲ مشابه روایتی که در کتاب «نهج البلاغه» وارد شده نقل شده است.

«کمیل بن زیاد نخعی» نقل می‌کند که امیرالمؤمنین دست مرا گرفت، به صحرا برد و به سینه‌اش اشاره کرد و گفت: در این سینه دریایی از علم است، اما هیچکسی را پیدا نمی‌کنم که شایسته باشد این مطالب را برای او بیان کنم. سپس می‌فرماید:

«اللهم بلی لن تخلو الأرض من قائم لله بحجة»

خدایا هرگز زمین را از حجتی که برای خدا قیام کند خالی نخواهیم گذاشت.

این عبارت اثر «ذهبی» هست که هیچ اشکال سندی و دلالی هم ندارد.

سپس می‌گوید:

«یدفع الله عن حجه حتی یؤدوها إلى نظرائهم»

خداوند از حجت‌های خود دفع بلا می‌کند تا این حجت به حجت بعدی برگردد.

«أولئك خلفاء الله فی بلاده والدعاة إلى دینه»

آنها خلیفه الهی در کره زمین و دعوت‌گران به دین او هستند.

«هاه هاه شوقا إلى رؤیتهم»

آه آه من چقدر علاقه دارم که این حجت‌های الهی را ببینم.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى، ج ١، ص ١٢، ح ٤

همچنین مشاهده می‌کنیم آقای «ابن صلاح» در کتاب «فتاوی و مسائل ابن صلاح» جلد اول صفحه ٦ صلاح ندیدند که از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایت نقل کنند بلکه این روایت را از خود نقل کردند و گفتند:

«على أن الأرض لا تخلو من قائم بالحجة إلى أوان الإنتهاء»

زمین خدا تا قیام قیامت از حجت الهی خالی نیست.

فتاوی ابن الصلاح، المؤلف: عثمان بن عبد الرحمن، أبو عمرو، تقی الدین المعروف بابن الصلاح (المتوفى: ٦٤٣ هـ)، المحقق: د. موفق عبد الله عبد القادر، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، عالم الكتب -

بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧، ج ١، ص ٦، باب بسم الله الرحمن الرحيم

ببینید چقدر روایت زیبایی است، اما ای کاش که این روایت را از قول امیرالمؤمنین نقل می‌کردند. آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ششم صفحه ٤٩٤ می‌گوید:

«وفى صلاة عيسى خلف رجل من هذه الأمة مع كونه فى آخر الزمان وقرب قيام الساعة دلالة للصحيح

من الأقوال أن الأرض لا تخلو عن قائم لله بحجة والله أعلم»

اینکه حضرت عیسی پشت سر مردی از این امت در آخر الزمان نماز می‌خواند دلالت روشنی است بر اینکه زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نمی‌شود. خداوند آگاه است!

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج ٦، ص ٤٩٤، ح ٣٢٦٥

این عبارت همانند روایت امیرالمؤمنین است که این شخص به نام خود ثبت کرده است. این کار هم به نوعی سرقت علمی است و نمی‌دانیم چه نامی روی آن بگذاریم.

آقای «بدرالدین عینی» در کتاب «شرح صحیح البخاری» جلد ۱۶ صفحه ۴۰ همان تعبیر را وارد کرده و می‌گوید:

«أنه الأرض لا تخلو عن قائم لله بحجة»

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۶، ص ۴۰، ح ۱۰۶

آقای «عینی» این عبارت را اصلاً عوض نکرده و عین عبارت امیرالمؤمنین را بیان کرده است. به عنوان مثال ایشان نگفته: «ان الارض لا تخلو من الحجة الذين يقيمون لله». بالاخره اگر این روایت از کسی دیگر نقل شده باشد باید جمله عوض شود.

آقای «ابن تیمیه حرانی» هم از قافله عقب نمانده و در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۲۵ می‌نویسد:

«فإن الأرض لن تخلو من قائم لله بحجة لكيلا تبطل حجج الله وبيناته»

کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیه الحرانی أبو

العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیه، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی

النجدی، ج ۲۵، ص ۱۳۱، باب رسالة فی الهلال

این جمله عین جمله امیرالمؤمنین است و بنده مشاهده نکردم هیچیک از صحابه غیر از آن بزرگوار چنین تعبیری آمده باشد.

مجری:

استاد جالب است که همه این افراد این روایات را به نام خودشان نقل کردند و همه هم شبیه به هم است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما نمی‌دانیم در این رابطه چه باید بگوییم!! گفتن از ما و قضاوت از بینندگان عزیز، ما هیچ قضاوتی نمی‌کنیم. آیا این افراد فردای قیامت جوابی برای گفتن دارند؟!

آقای «ابن تیمیه»، «ابن حجر» و دیگران نمی‌دانند که اگر این روایت را از امیرالمؤمنین نقل کنند مردم بهتر این روایت را می‌پذیرند، زیرا آن بزرگوار به عنوان خلیفه چهارم مسلمانان است. چرا روایتی که از امیرالمؤمنین نقل شده و در کتب خودتان آمده را بیان نمی‌کنید؟!

شاید روزی که آقای «ذهبی» این روایت را مستقیم از امیرالمؤمنین نقل کرده حواسش نبوده یا از قلم او در رفته است. استاد او «ابن تیمیه» و آقایان «ابن حجر»، «عینی» و «ابن صلاح» این روایت را از امیرالمؤمنین نقل نکرده‌اند.

این مسئله به معما تبدیل شده است که چطور شده نقل این روایت از قول امیرالمؤمنین از قلم «ذهبی» در رفته است و چرا از قول خود نقل نکرده است؟!

البته من این روایت را بررسی کردم و اگر دوستان دیگر هم در این زمینه بررسی کنند شاید مطالب بیشتری نسبت به این روایت باشد. این بحثی بود که من به ذهنم رسید؛ ان شاءالله ما بتوانیم در این زمینه مطالب بیشتری توضیح بدهیم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما ممنونم. من نگاهی به پیام‌ها داشته باشم و سری به اتاق فرمان بزنیم، ان شاءالله بحث خود را ادامه خواهیم داد.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

آقای غلامعلی ستوده از زابل سلام فرستادند و نسبت به ما لطف و محبت داشتند که از ایشان ممنونیم.

آقای حسین خلوصی از اسد آباد تشکر کردند و گفتند: برادرشان پشت کنکور هستند و امتحان دارند، برایشان دعا کنید.

انشاءالله برای تمام کسانی که در مسیر علم و آگاهی هستند دعا کنیم؛ به ویژه جوانان عزیز، آقا پسرها و دخترخانم‌هایی که قرار است کنکور بدهند و شبانه روز درس می‌خوانند.

آقای شریفی از ماسال گفتند: سلام حاج علی آقا، برای دیدن برنامه شما لحظه‌شماری می‌کنم. خداوند عالم به حق امیرالمؤمنین حیدر کرار پشت و پناه شما باشد. از ایشان ممنونیم.

آقای سامری از آبادان هم سلام و خسته نباشید گفتند و در ادامه گفتند: از شجاعت امیرالمؤمنین صحبت کنید.

چشم؛ برنامه «اخلاق علوی» ما در پنجشنبه شبها در موضوعاتی پیرامون شخصیت امیرالمؤمنین است. ما هفته‌های گذشته مباحث اخلاقی را مطرح می‌کردیم، اما با توجه به اینکه ایام نیمه شعبان بحث مهدویت را داشتیم این مبحث را ادامه دادیم.

انشاءالله در زمان خود از شجاعت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خواهیم گفت؛ البته در برنامه‌های مختلف از شجاعت آن حضرت گفته شده و حتماً شنیدید، اما باز هم بیان خواهیم کرد.

آقا هادی از مشهد مقدس هم همانند همیشه با «شبکه جهانی ولایت» همراه هستند.

نمی‌دانم دوستانم چه میان برنامه‌ای از امام زمان (ارواحنا له الفداه) در نظر گرفتند تا برای شما پخش کنند. دل و جانمان را با شنیدن مدح و منقبت آقاچانمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مصفا می‌کنیم و دلمان را به این عزیز غائب از نظر پیوند می‌زنیم.

تو که یک گوشه چشمت غم عالم ببرد

حیف باشد که تو باشی و مرا غم ببرد

چقدر شنیدن این میان برنامه قشنگ و سروده زیبایی که درباره آقا جانمان امام زمان (ارواحنا له الفداه) پخش شد شیرین و لذتبخش بود.

فردا روز جمعه، روز عید مسلمانان است و ان شاء الله به زودی روز ظهور مولا و آقای غائب از نظرمان حضرت ولی عصر (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداه) باشد.

چقدر شیرین و لذتبخش است که ندای «[أنا المهدي](#)» را از کنار خانه کعبه با گوش‌های خود بشنویم. زمانی که امام زمان به خانه خدا تکیه می‌دهد و ندای «[أنا المهدي](#)» سر می‌دهد و عالم صدای دلنشین و زیبا را می‌شنوند شادی و نشاط واقعی اتفاق می‌افتد.

خدایا کمک کن تا باشیم آن روز را ببینیم، آن روز را درک کنیم، آن صدای نازنین را بشنویم و ان شاء الله همه ما در رکاب حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) باشیم و جواب این وهابیون و سلفی‌های پست را بدهیم.

مشاهده کردید یکی از سران عربستان درباره امام زمان چه حرفی زده بود!! این افراد باید باشند که صدای «[أنا المهدي](#)» از کنار خانه خدا برخیزد؛ در آن موقع به دعای شما مردم عزیز دیگر اثری از این سعودی‌ها و یهودیان و شجره معلونه و خبیثه نخواهد بود.

ما همچنان با برنامه زنده «اخلاق علوی» در خدمت شما هستیم. شما «شبکه جهانی ولایت» را برای دیدن انتخاب کردید و ما هم با افتخار مقابل شما نشستیم و این برنامه را تقدیم می‌کنیم.

راه‌های ارتباطی برای شما زیرنویس شده است و ان شاء الله باز هم منتظر پیام‌های شما هستیم.

استاد نکته‌ای که می‌خواهیم در مورد بحث مهدویت مطرح کنیم از زبان آقاخانمان امام زمان (ارواحنا له الفداه) است. ما می‌خواهیم ببینیم آیا سند صحیح و صریح وجود دارد که وجود نازنین آقاخانمان امیرالمؤمنین بحث مهدویت را مطرح کرده باشند.

با توجه به اینکه شما هم اشاره کردید که شبکه‌های وهابی مرتباً داد و فریاد می‌کنند که اگر مهدویت وجود دارد چرا امیرالمؤمنین چیزی نگفته است.

۱۲۹ روایت از امیرالمؤمنین پیرامون حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است، خداوند به شما جزای خیر عنایت کند. روایات در این زمینه زیاد است، بنده تنها دو مورد که بررسی سندی خوبی روی آن انجام گرفته را بیان می‌کنم؛ الباقی هم کاملاً واضح و روشن است.

در کتاب «منتخب الاثر» اثر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی روایات متعددی از ائمه طاهرین (علیهم السلام) به نقل از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیان شده است.

همچنین در کتاب «معجم احادیث المهدی» احادیثی که آیت الله کورانی، آیت الله طبسی و دیگران نقل کردند بیان شده است.

این کتاب در پنج جلد جمع آوری شده است که در جلد اول و دوم آن ۵۶۰ روایت از نبی مکرم اسلام درباره حضرت مهدی بیان شده است.

در جلد سوم و چهارم آن ۸۵۰ روایت از ائمه طاهرین (علیهم السلام) نقل شده و در جلد پنجم آن ۵۰۵ روایت از نبی گرامی اسلام و ائمه طاهرین (علیهم السلام) در شأن نزول آیات قرآن درباره حضرت مهدی بیان شده است.

دقت کنید که در این کتاب ۵۰۵ روایت از شأن نزول آیات قرآن درباره حضرت مهدی بیان شده است، ۸۵۰ روایت از ائمه طاهرين (عليهم السلام) بیان شده است.

در جلد سوم این کتاب از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶۳ حدیث شماره ۵۶۱ تا حدیث ۶۹۰ تعداد ۱۲۹ روایت از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درباره حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) بیان شده است.

این در حالی است که کارشناسان وهابی مرتباً فریاد می‌زنند: "اگر ظهور حضرت مهدی حقیقت دارد چرا حضرت علی از او نامی به میان نیاورده است!!!"

ما چکار کنیم که شما چشم‌هایتان را روی حقایق بستید و حقیقت را نمی‌بینید یا اگر هم می‌بینید توجیهاات شیطانی می‌کنید. قرآن کریم در جواب شما می‌فرماید:

(قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ)

بگو: بمیرید با همین خشمی که دارید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۱۹

از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ۱۲۹ روایت در مورد حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) وارد شده است. این در حالی است که اگر تعداد این روایات بیشتر از ۵ مورد باشد، خدای شما «ابن تیمیه» می‌گوید:

«فإن تعدد الطرق وكثرتها يقوى بعضها بعضاً حتى قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا»

اگر یک روایت سندهای متعدد داشته باشد علم‌آور و قطع‌آور است، ولو راویان آن فجار و فساق باشند.

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ج ۱۸، ص ۲۶

بر فرض ما ۱۲۹ روایت داریم که راویان آن همگی فجار و فساق هستند و روایات ضعیف است، طبق فتاویٰ پیغمبر شما «ابن تیمیة» این روایات علم آور است.

در مورد امام زمان (ارواحنا له الفداه) از امام حسن (علیه السلام) ۱۰ روایت وارد شده است، از امام حسین (علیه السلام) ۱۰ روایت وارد شده است، از امام سجاد (علیه السلام) ۲۲ روایت وارد شده است، از امام باقر (علیه السلام) ۱۵۹ روایت وارد شده است.

همچنین از امام صادق (علیه السلام) ۲۹۶ روایت درباره حضرت مهدی وارد شده است. از امام کاظم (علیه السلام) ۱۹ روایت وارد شده است، از امام رضا (علیه السلام) ۳۰ روایت وارد شده است، از امام جواد (علیه السلام) ۸ روایت وارد شده است.

درباره امام زمان (ارواحنا له الفداه) از امام هادی (علیه السلام) ۱۲ روایت نقل شده است، از امام حسن عسکری (علیه السلام) ۲۹ روایت نقل شده است.

بنابراین ائمه طاهرین (علیهم السلام) همگی درباره حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) روایت نقل کردند.

در کتاب «منتخب الأثر» اثر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۶۵۰ روایت از ائمه طاهرین (علیهم السلام) نقل شده که آن بزرگواران از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کردند و بشارت به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) دادند.

این روایات یک مورد یا دو مورد نیست، بلکه ۶۵۷ روایت است. بنده به شخصه آمار این روایات را استخراج کردم.

از میان این روایات ۳۸۹ روایت وارد شده مبنی بر اینکه حضرت مهدی از اهل بیت (علیهم السلام) است و ۱۴۶ روایت در مورد این است که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

ما باید به این افراد بگوییم: وای بر شما و آتش جهنم نوش جانتان که ادعا می‌کنید امام حسن عسکری فرزندی نداشته است!!

دقت داشته باشید در مورد اینکه حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است ۱۴۶ روایت وارد شده است و همچنین ۱۴۷ روایت بیان شده که نشان می‌دهد نام پدر بزرگوار حضرت مهدی «حسن» است.

اگر شما این روایات را کنار هم بگذارید مشاهده می‌کنید که حدود ۳۰۰ روایت وارد شده که نشان می‌دهد حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

این در حالی است که آقای «ابن تیمیه» حرفی بزرگ‌تر از دهان خود می‌زند و افرادی که دنباله‌رو او هستند هم همانند گوسفندانی که دنباله‌رو دیگران هستند ادعا می‌کنند که امام حسن عسکری فرزندی نداشته است!!

شیعیان و اهل سنت دقت کنید که این افراد در روز روشن ادعا می‌کنند که آفتابی در کار نیست. ما حدود ۳۰۰ روایت داریم مبنی بر اینکه حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) فرزند امام حسن عسکری است و آن بزرگوار فرزند داشته است.

بر فرض تمام این روایات دارای سند ضعیف هم باشند، از دیدگاه ما متواتر است و علما معتقدند که در روایت متواتر بررسی سندی لازم نیست.

وهابیت اگر راست می‌گویند در مورد یکی از عقاید خودشان ۳۰۰ روایت متواتر به ما نشان بدهند تا ما آن را قبول کنیم.

به عنوان مثال نستجیر بالله وهابیت در مورد اینکه معتقدند خداوند جوان بی‌مویی است و «ابن تیمیه» روایت را تصحیح می‌کند یا در مورد اینکه معتقدید خداوند سوار الاغ می‌شود یا خداوند می‌تواند هزاران خدا همانند خود خلق کند یک روایت ضعیف از کتب خودشان بیاورند!!

از طرف دیگر ۱۳۶ روایت وارد شده مبنی بر اینکه حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) امام دوازدهم و امام آخر شیعیان است. همچنین ۳۱۸ روایت وارد شده مبنی بر اینکه امام زمان عمر طولانی دارد. ۹۱ روایت وارد شده مبنی بر اینکه امام زمان غیبت طولانی دارد.

در حقیقت بیش از ۴۰۰ روایت در مورد غیبت و عمر طولانی حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) بیان شده است. آیا این روایات کافی نیست که وهابیت از داد و بیداد خود دست بردارند؟!

البته بسیاری از این مطالب در کتب اهل سنت وارد شده است، اما اینکه یک عقیده فاسد را چنین مطرح می‌کنند که حضرت مهدی به دنیا نیامده است. این در حالی است که حدود ۲۵۰ نفر از علمای اهل سنت معتقدند که حضرت مهدی به دنیا آمده و فرزند امام عسکری است!!

ما عقاید علمای اهل سنت را به طور مفصل بیان کردیم؛ آن‌ها این مطالب را از کتب خودشان نقل کردند، نه کتب شیعه!!

در کتب اهل سنت نقل شده که بزرگان آن‌ها خدمت حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) رسیدند و حدود یک هفته هم در منزل آن حضرت مهمان بودند که ما روایات آن را نشان دادیم. هیچکدام از این افراد شیعه نبودند و همگی اهل سنت بودند.

ما نظر بسیاری از علمای اهل سنت داخل و خارج از کشور را آوردیم که همگی گفتند: "ما معتقد هستیم حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) زنده هستند و در غیبت به سر می‌برند."

آقایان «ملاً محمد عمر سربازی» و «عبد الرحمن سربازی» ادعا می‌کنند که ما از نسل حضرت مهدی هستیم.

اگر نستجیر بالله واقعاً امام حسن عسکری فرزندی نداشته این آقایان بی اصل و نسب هستند!؟

ما به این آقایان سفارش می‌کنیم حرفی بزنند که مرغ پخته به خنده نیاید و دیوانه‌های تیمارستان‌ها به حرف آن‌ها نخندند. شما باید حرفی بزنید که زن و فرزند خودتان به ریش شما نخندند.

این آمار مفصل مربوط به روایاتی بود که در مورد حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) بیان شده است، اما روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که فدای غبار حرم آن بزرگوار شویم در کتاب «عیون أخبار الرضا» جلد دوم صفحه ۶۰ بیان شده است.

این روایت از امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) و آن حضرت از امام سجاد (علیه السلام) و آن بزرگوار از امام حسین (علیه السلام) نقل کردند:

«سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صِ إِيَّيْ مُخَلَّفٍ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي مَنْ

الْعَثْرَةُ»

از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در مورد معنای قول رسول الله سؤال کردند که وقتی رسول الله فرمودند: من دو چیز گرانبها برای شما به امانت می‌گذارم که یکی کتاب خدا و دیگری عترت من است، مراد از عترت چه کسانی هستند؟

«فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَيْمَةُ النَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَهُمْ وَ قَائِمُهُمْ»

امیرالمؤمنین فرمودند: مراد از عترت من و حسن و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین است که
نهمین آن‌ها مهدی نام دارد و قائم است.

روایت از این بهتر و واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم!! این افراد به دنبال چه چیزی می‌گردند؟! شاید این افراد به
دنبال این هستند که خداوند عالم ورقی از آسمان به منزل شما انسان‌های بی‌عقل نازل کند که در آن نوشته
باشد که خداوند به حضرت مهدی وعده داده است!!

«لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَوْضَهُ»

اهلبیت هرگز از قرآن و قرآن هم هرگز از اهلبیت جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر خدمت نبی مکرم
اسلام برسند.

عیون أخبار الرضا عليه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،

ج ۱، ص ۵۷، ح ۲۵

اگر به کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد ۳ صفحه ۱۳۴ مراجعه کنید، خواهید دید
که در این کتاب وارد شده است:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

علی با قرآن است و قرآن هم با علی است، این دو تا حوض کوثر هرگز از هم جدا نمی‌شوند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۳۴، ح ۴۶۲۸

مشاهده کنید که روایت صحیح و صریح در رابطه با حضرت مهدی بیان شد، حال در مورد سند این روایت باید بگویم که یکی از راویان این روایت «احمد بن زیاد همدانی» است که «شیخ صدوق» در مورد او می‌نویسد:

«كان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه»

مردی مورد اعتماد و متدین و فاضل بود.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲،

ص ۳۶۹، ج ۶

راوی دوم این روایت «علی بن ابراهیم» هست که ما بارها نام او را بردیم. آقای «خوئی» در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد ۱۲ در رابطه با «علی بن ابراهیم» می‌گوید:

«علی بن ابراهیم بن هاشم أبو الحسن القمی، ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب»

علی بن ابراهیم بن هاشم ابو الحسن القمی در حدیث مورد اعتماد است، متقن، قابل اعتماد است و مذهب او هم صحیح است.

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج ۱۲، ص ۲۱۲، ج ۷۸۳۰

این در حالی است که آقایان وهابی در مورد او می‌گویند: "«علی بن ابراهیم» قائل به تحریف قرآن است!!"

اگر تحریف قرآن اشکال داشته باشد خلیفه دوم اولین کسی است که قائل به تحریف قرآن است، عایشه ام المؤمنین همسر پیغمبر اکرم قائل به تحریف قرآن است، «أبی بن کعب» قائل به تحریف قرآن است.

بعد از اینکه پیغمبر اکرم از دنیا رفت عایشه ادعا می‌کرد که آیه‌ای زیر رختخواب من بود، اما بزها آن را خوردند.

این افراد در این موارد چه جوابی برای گفتن دارند!؟

هر جوابی که این افراد در مورد تحریف صریح قرآن کریم توسط خلیفه دوم، «أبی بن کعب»، «ابو سعید خدری»، «جابر» و عایشه دادند ما هم همان جواب را نسبت به تحریف قرآن توسط «علی بن ابراهیم قمی» می‌دهیم.

اگر ادعا می‌کنید که تحریف قرآن صورت گرفته ما هم می‌گوییم که تحریف قرآن است، اما اگر ادعا می‌کنید که تحریف قرآن نیست ادعای ما هم چنین است.

راوی سوم «ابراهیم بن هاشم» است که آقای «خوئی» (رضوان الله تعالی علیه) در مورد او می‌نویسد:

«لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم»

شکی در وثاقت و اعتبار ابراهیم بن هاشم نداریم.

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۳۳۲

راوی بعد «محمد بن ابی عمیر» است که یکی از اصحاب اجماع است و «نجاشی» در مورد او می‌نویسد:

«جلیل القدر عظیم المنزلة فینا و عند المخالفین»

رجال النجاشی، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۳۲۶، ح ۸۸۷

ایشان در میان شیعه و اهل سنت دارای جایگاه رفیعی است. راوی دیگر «غیاث بن ابراهیم» است که «نجاشی» در مورد او می‌نویسد:

«سکن الکوفة، ثقة»

رجال النجاشی، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۳۰۵، ح ۸۳۳

دیدید که این روایت پنج راوی دارد که تمام پنج تن ثقه هستند؛ اگر حرفی برای گفتن دارید بیایید بگویید.
«احمد بن زیاد»، «علی بن ابراهیم»، «ابراهیم بن هاشم»، «محمد بن ابی عمیر» و «غیاث بن ابراهیم» راویان
این روایت هستند.

ما دو مرتبه می‌بینیم که آقاجانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در این روایت چه فرموده‌اند. آن
بزرگوار فرمودند:

«فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ الثَّلَاثَةُ مِنَ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَهُمْ وَ قَائِمُهُمْ»

امیرالمؤمنین فرمودند: مراد از عترت من و حسن و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین است که
نهمین آن‌ها مهدی نام دارد و قائم است.

از این روشن‌تر و واضح‌تر توضیح بدهیم؟! حال این آقایان لجاجت می‌کنند و از روی عناد حرف می‌زنند از
مقاصد آن‌ها سر در نمی‌آوریم.

روایت دیگری از امیرالمؤمنین در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۵۲۵ وارد شده است. در این روایت که بسیار
مفصل است وارد شده است:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا»

ما بارها گفتیم «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» چه از «احمد بن محمد برقی» باشد و چه از «احمد بن محمد بن عیسی» و
چه «سهل بن زیاد آدمی» باشد، در میان عده افراد ثقه وجود دارند. «احمد بن محمد برقی» ثقه است و «ابو
هاشم داود بن قاسم» ثقه است.

این روایت از امام جواد (علیه السلام) نقل شده است که می‌فرماید:

«أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ مَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع»

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آمد و امام حسن (علیه السلام) هم با ایشان بود.

«وَهُوَ مُتَّكِعٌ عَلَى يَدِ سَلْمَانَ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»

دست امام حسن در دست سلمان بود و وارد مسجد شدند.

«فَجَلَسَ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ حَسَنُ الْهَيْئَةِ وَاللِّبَاسِ فَسَلَّمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَجَلَسَ»

مردی وارد مسجد شد که انسانی خوش سیما بود و لباس متینی بر تن داشت، او به امیرالمؤمنین سلام کرد و حضرت جواب او را داد.

«ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ»

مرد گفت: یا امیرالمؤمنین من از شما سه سؤال می‌پرسم.

«أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ إِذَا نَامَ أَيْنَ تَذْهَبُ رُوحُهُ وَ عَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَذْكُرُ وَ يَنْسَى وَ عَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَشْبَهُ
وَلَدُهُ الْأَعْمَامَ وَ الْأَخْوَالَ فَالْتَفَتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَجِبْنِي قَالَ فَأَجَابَهُ الْحَسَنُ
ع»

مرد سه سؤال پرسید و امام حسن (علیه السلام) جواب او را داد، سپس مرد گفت:

«فَقَالَ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ
بِذَلِكَ»

او در ادامه گفت:

«وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ ص وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَ أَشَارَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ وَصِيهِ وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَ أَشَارَ إِلَى الْحَسَنِ ع»

شهادت می‌دهم تو وصی پیغمبر اکرم هستی و قائم به حجت او هستی، سپس به امام حسن اشاره کرد و گفت: شهادت می‌دهم که او هم وصی تو و قائم به حجت است.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَصِيَّ أَخِيهِ وَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِهِ بَعْدَهُ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ بَعْدَهُ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَشْهَدُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ»

سپس می‌گوید:

«وَأَشْهَدُ عَلَى مُوسَى أَنَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى أَنَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»

مرد در آخر گفت:

«وَأَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ لَا يَكُنِّي وَ لَا يَسْمَى حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا»

شهادت می‌دهم کسی که بعد از امام حسن عسکری حجت خدا و قائم به امر خداوند است، او خواهد آمد و تمام دنیا را از عدل پر می‌کند همان‌طور که از ظلم پر شده بود.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۵۲۵، ح ۱

این شخص اسامی تک تک ائمه طاهرین (علیهم السلام) از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) را هم در این روایت بیان کرده است. علامه «مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» جلد ۶ صفحه ۲۰۳ می‌گوید:

«الحديث الأول: صحيح»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۶، ص ۲۰۳

آقایانی که دائماً داد و فریاد می‌کنند و ادعا می‌کنند: "در کتاب «کلینی» ۱۲ روایت در مورد حضرت مهدی وارد شده است که یک مورد از آن هم صحیح نیست" به این روایت دقت کنند. «علامه مجلسی» می‌گوید: تمام این روایات صحیح است و در ادامه می‌گوید:

«الحديث الأول: صحيح»

همچنین مرحوم «محمد تقی مجلسی» پدر بزرگوار ایشان می‌گوید:

«و فی الصحيح بتسع طرق، عن أبي هاشم الجعفری عن أبي جعفر الثاني محمد بن علی الجواد علیهما السلام»

این روایت در روایت صحیح با نه سند از ابی هاشم جعفری از امام جواد (علیه السلام) نقل شده است.

روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق /

مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ج ۸، ص ۶۰۱، ح ۴۷۰۹

در این روایت نام تک تک ائمه طاهرین (علیهم السلام) بیان شده است. یک روایت و دو روایت نیست، بلکه ۹ سند برای این روایت نقل شده است.

«علامه مجلسی» معتقد است که این روایت صحیح است و همچنین «محمد تقی مجلسی» می‌گوید: نُه طریق و نُه سند داریم که هر نُه سند صحیح است.

این روایت دو راوی بیشتر ندارد؛ یکی از آن‌ها «احمد بن محمد بن خالد برقی» است که آقای «خوئی» در کتاب خود جلد سوم از «نجاشی» نقل می‌کند:

«وكان ثقة في نفسه، يروي عن الضعفاء، واعتمد المراسيل»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج ۳، ص ۴۹، ح ۸۶۱

به گفته «نجاشی» او از ضعف نقل می‌کرد و به مرسلات اعتماد می‌کرد. بر فرض که او از ضعف نقل می‌کرد راوی بعدی «ابو هاشم جعفری» است که «نجاشی» درباره او می‌گوید:

«رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة، روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام»

رجال النجاشی، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۱۵۶، ح ۴۱۱

گرچه ما قبول نداریم که «احمد بن محمد بن خالد» از ضعف نقل می‌کرد. بحث و اختلافی در حوزه علمیه آن زمان در قم میان «احمد بن محمد بن عیسی برقی» و «احمد بن محمد بن خالد برقی» وجود داشته است. به «احمد بن محمد بن خالد» گفته می‌شود که شما از ضعف نقل می‌کنید و به همین جهت او را از قم به کاشان تبعید می‌کنند. بعد از این ماجرا کاشف به عمل آمد که اشتباه به عرض «احمد بن محمد بن عیسی برقی» رسانده بودند.

«احمد بن محمد بن عیسی برقی» از قم به کاشان رفت، جلوی در «احمد بن محمد بن خالد» ایستاد و به او گفت: تا جلوی در نیایی که من دست تو را نبوسم و از من راضی نشوی من از اینجا نمی‌روم.

«احمد بن محمد بن عیسی برقی» با هزاران احترام «احمد بن محمد بن خالد برقی» را به قم آورد و از او تجلیل کرد.

در گذشته اگر از کسی هتک حرمت می‌کردند و متوجه می‌شدند که اشتباه کردند بلافاصله آبروی رفته را برمی‌گرداندند.

«احمد بن محمد بن عیسی برقی» به این مقدار هم قانع نشد. او در سال ۲۷۴ هجری قمری زمانی که «احمد بن محمد بن خالد برقی» از دنیا رفت، با پای پیاده در تشییع جنازه او حاضر شد. مشاهده کنید که این افراد چقدر به آبروی انسان ملتزم بودند.

همچنین «شیخ طوسی» در مورد «احمد بن محمد بن خالد برقی» می‌گوید:

«جلیل القدر عظیم المنزلة عندهم»

بنابراین این روایت هم کاملاً صحیح از مولا و سرورمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل شده است که تمام جهانیان فدای غبار نعلین آن بزرگوار باشند!!

این دو روایت از امیرالمؤمنین در رابطه با حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) بیان شده است. حال آقایان وهابی به قدری داد بزنند که حنجره‌شان پاره شود. آن‌ها دائماً ادعا می‌کنند: "اگر حضرت مهدی وجود دارد، چرا از حضرت علی روایتی در مورد ایشان ندارید!!"

ما اعلام کردیم تنها از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در رابطه با حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) ۱۲۹ روایت در «معجم أحادیث المهدی» داریم که ما در اینجا به دو مورد از آن اشاره کردیم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!!

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خیلی عالی، از شما ممنونم. همان طور که استاد فرمودند اگر شما راست می‌گویید در مورد اعتقاداتی که گاهی اوقات از آن دم می‌زنید و بحث توحیدتان حتی به عدد انگشتان دست هم روایت ندارید.

الحمدلله امشب برنامه ما به نام نامی امیرالمؤمنین و آقاچانمان امام زمان (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداه) مزین شد. ان شاءالله این پیوند برای ما شیرین و مقدس و مبارک خواهد بود.

از عزیزانی که همراهی خود را با ما اعلام می‌کنند خیلی ممنونم. پیام‌های بسیاری به دست ما رسیده است، اما فرصت نداریم به آن اشاره کنم. ان شاءالله بعد از فاصله‌ای که خواهیم داشت قرار است تلفن‌های عزیزان بیننده را هم داشته باشیم.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

آقای غلامحسین پیرشاری از استان گلستان سلام فرستادند و تشکر کردند که از ایشان ممنون و سپاسگذاریم.

آقای نیازمندی از شیراز لطف و مرحمت داشتند که از ایشان سپاسگذاریم.

آقای علی عزیزمان از اندیمشک هم برای ما پیام فرستادند.

پیام‌های دیگری هم به دست ما رسیده که دوستان و بینندگان «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «اخلاق علوی» لطف و مهربانی کردند و برای ما ارسال کردند. ان شاءالله فرصت پیدا کنم تا پیام‌های شما را در نوبت‌های بعدی بخوانم.

به دلیل اینکه محدودیت وقت داریم و می‌خواهیم تلفن‌های دوستان را هم داشته باشیم، ان شاءالله اگر سؤالاتان حول محور موضوع برنامه باشد خیلی بهتر است که ما بتوانیم پاسخگو باشیم.

می‌خواهیم میان برنامه‌ای زیبا در مدح و منقبت آقا و مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداه) ببینیم، بشنویم و برمی‌گردیم.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۳۷، ح ۵

این دعایی است که به ما توصیه و سفارش شده در آخر الزمان زیاد بر زبان جاری کنیم تا ان‌شاءالله پیامبر خدا را بشناسیم. اگر پیامبر خدا را نشناختیم حجت خدا را نخواهیم شناخت و اگر حجت خدا را نشناختیم دیگر گمراه هستیم و مرتکب ضلالت در دین شده‌ایم.

ان‌شاءالله این شناخت و این معرفت در مورد خداوند متعال، ائمه معصومین (علیهم السلام) و به ویژه وجود نازنین امام زمان (ارواحنا له الفداه) به درجه عالی خود برسد.

درجه معرفت ما همانند عیار طلاست؛ هرچه عیار طلا بالاتر باشد قیمت، ارزش و بهای آن بیشتر است.

هرچه معرفت ما نسبت به امام زمان (ارواحنا له الفداه) بالاتر و بیشتر باشد قطعاً به ایشان نزدیک خواهیم بود و می‌توانیم دستورات و فرمایشات ایشان را بهتر درک کنیم و نهایتاً باعث نجات ما خواهد شد.

تماس بینندگان برنامه:

ما از این لحظه در خدمت دوستان خوب بیننده هستیم که تماس می‌گیرند و صدای گرمشان را می‌شنویم.

ان‌شاءالله عزیزان شیعه و اهل سنت سؤالات خود را مطرح کنند، ما هم با افتخار پاسخگو خواهیم بود.

اگر سؤالات عزیزان حول محور مهدویت باشد بهتر است تا ان شاءالله بحث ما به جایی ختم شود. آقای آقای از قزوین بیننده اول ما هستند، آقای آقای سلام و درود به شما:

بیننده (آقای آقای از قزوین - شیعه):

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد آیت الله دکتر قزوینی بزرگوار و همچنین جناب آقای اسماعیلی عزیز.

مجری:

آقای آقای از شما ممنونم، سلامت باشید. اگر دوستان ما در اتاق فرمان صدای داخل استودیو را تقویت کنند از ایشان ممنون هستیم. آقای آقای در خدمت شما هستیم، بفرمایید.

بیننده:

اعیاد شعبانیه را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم و بعد از آن از جناب دکتر بزرگوار تشکر می‌کنم که مطالب بسیار ارزنده‌ای ارائه فرمودند.

وهابیت مدت زیادی است روی این قضیه مانور می‌دهند که شیعه اصلاً احادیث و روایات مشخصی در زمینه مهدویت از حضرت علی ندارد. بیانات امروز استاد جواب دندان شکنی به وهابیت بود، من از ایشان سپاسگذاری می‌کنم.

ما همیشه به وهابی‌ها می‌گفتیم: "اجماع نظر علمای شیعه از قدیم تا الآن مطرح است". وهابیت حرف ما را قبول نمی‌کردند، اما جواب امروز دکتر عالی بود. از دکتر قزوینی دو سؤال کوتاه در مورد مهدویت دارم.

سؤال اول من این است که وهابیت مدام مطرح می‌کنند «نوبختی» صاحب کتاب «فرق شیعه» اعتقاد دارد حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) به دنیا نیامده است، اما همگی می‌دانیم نوبختی مذهب شیعه امامیه داشته است. چنین چیزی چطور امکان پذیر است؟!

سؤال دوم من این است که یکی از شعارهای ما شیعیان این است که حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) انتقام گیرنده مصائب حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. این انتقام گیری هر زمانی به وقوع بپیوندد از چه طیف تفکر و افرادی خواهد بود؟!

جناب دکتر بزرگوار و جناب آقای اسماعیلی از شما سپاسگذاری می‌کنم. اگر امری با بنده ندارید از شما خداحافظی کنم.

مجری:

آقای آقای عرضی نیست؛ از شما ممنونم. ان شاءالله پای گیرنده باشید تا استاد سؤالات شما را پاسخ خواهند داد.

البته بنده به این نکته اشاره کنم با توجه به اینکه ما جمعه شبها به صورت مفصل مباحث مهدویت را مطرح می‌کنیم، شما در آنجا هم می‌توانید برخی از سؤالات را مطرح کنید.

جمعه شبها برنامه «گامی به سوی ظهور» از ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰ به مدت یک ساعت و نیم تقدیم حضور شما می‌شود. در این جلسه اساتید متخصص مهدویت تشریف می‌آورند و در آنجا هم می‌توانید سؤالات خودتان را مطرح کنید.

آقا جاسم از شادگان بیننده برنامه بعدی ما هستند. آقا جاسم سلام علیکم؛

بیننده (آقا جاسم از شادگان - شیعه):

سلامٌ علیکم و رحمة الله و برکاته.

مجری:

حال شما چطور است؟!

بیننده:

احسنتم، شکرا جزیلا. عرض ادب و احترام خدمت شما و سید بزرگوار. حقیقتاً بنده چند سؤال داشتم که برخی از آنها حتی خارج از بحث مهدویت هست، اگر اشکالی ندارد سؤالات خود را مطرح کنم.

مجری:

حال که تماس گرفتید سؤالات خود را بفرمایید، در خدمتیم.

بیننده:

سؤال اول من در رابطه با «ابن عربی» است. می‌خواستم نظر سید را در رابطه با شخصیت «ابن عربی» بدانم، زیرا در مورد شخصیت ایشان اختلاف وجود دارد.

در این زمینه نظریاتی وجود دارد و افرادی می‌گویند که من شیعیان را دیدم به صورت میمون هستند. به طور کلی بعضی از شخصیت‌ها از او صحبت می‌کنند و موافق و مخالف هستند. من می‌خواستم نظر استاد را بدانم.

سؤال دوم من در رابطه با سوره مبارکه «انشراح» است. خداوند متعال در این سوره می‌فرماید:

(أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ)

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟ و بار سنگین را از تو بر نداشتیم؟ همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد. و آوازه تو را بلند کردیم. بنابراین مسلماً با سختی آسانی است. و مسلماً با سختی آسانی است. پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز.

سوره شرح (۹۴): آیات ۱ تا ۷

گفته شده مراد از (فَأَنْصَبْ) شخصیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. آیا چنین ادعایی راست است و مراد از (فَأَنْصَبْ) حضرت علی است، یا نه!!

سؤال سوم در مورد مهدی (ارواحنا له الفداه) است. آیا در کتب اهل سنت لفظ ظهور آمده است که نشانگر این باشد که حضرت مهدی ظاهر می‌شود، یا تنها لفظ خروج وارد شده است؟!؟

سؤال چهارم این است که آیا در کتب اهل سنت وارد شده که حضرت مهدی متولد می‌شود و سپس حکومت را به دست می‌گیرد، یا نه؟!؟

مجری:

آقا جاسم فرصت ما خیلی کم است و سؤالات زیادی پرسیدید. آقای آقای هم دو سؤال پرسیدند. ان شاءالله سؤالات خود را بعداً مطرح کنید.

اگر برای پاسخ عجله داشتید، می‌توانید مواردی که مربوط به مهدویت هست را فرداشب در برنامه «گامی به سوی ظهور» پرسید. آقا جاسم از شما ممنونم، خدانگهدار. منتظر باشید تا استاد برخی از سؤالات شما را امشب پاسخ دهند.

دوستان فعلاً تلفن وصل نکنند، زیرا فکر نمی‌کنم دیگر زمان داشته باشیم. استاد باید به سؤالات این دو بیننده پاسخ دهند. ان شاءالله اگر فرصتی باقی ماند در برنامه بعد در خدمت دوستان خوب بیننده هستیم.

استاد آقای آقایی از قزوین بحث آقای «نوبختی» را مطرح کردند و گفتند: ایشان اعتقادی به ولادت امام زمان (ارواحنا له الفداه) نداشتند، اما برخی از وهابیت آن را بیان می‌کنند. چنین چیزی هست، یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

والله ما نمی‌دانیم این آقایان این مسائل را از کجا می‌آورند. معمولاً به آقای «اشعری» نسبت می‌دهند که ایشان معتقد به عدم ولادت حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) است؛ حال آنکه ایشان به صراحت در کتاب «المقالات و الخرد» صفحه ۱۰۳ می‌گویند:

«فنحن متمسكون بإمامة الحسن بن علي مقرون بوفاته مؤمنون بان له خلفاً من صلبه متدينون بذلك

وانه الإمام من بعد أبيه الحسن بن علي»

ایشان ابتدا می‌گویند: "بعضی از مخالفین ما چنین می‌گویند"، مخالفین او این عبارت را حذف می‌کنند و سپس شروع می‌کنند مطالب دشمنان او را از قول خود او مطرح می‌کنند.

این کار درست همانند کاری است که علیه من انجام داده بودند. من در یکی از برنامه‌ها گفته بودم: "«ابو لؤلؤ» که قاتل عمر می‌باشد در مدینه کشته شد و در قبرستان بقیع دفن شد. «ابولؤلؤ» که در کاشان است انسان متدین و صالحی بوده و به همین جهت مردم به اعتبار نامش به او احترام می‌گذارند."

بعد از این ماجرا مخالفین از من کلیپ درست کردند مبنی بر اینکه من گفتم: "«ابو لؤلؤ» که عمر را کشت مرد صالح و متدینی بوده است." این کارها بیچارگی این افراد را نشان می‌دهد.

به قول «ابن تیمیه»، «غفاری»، «سالوس» و دیگران این کارها از بدبختی و بیچارگی این افراد است. «نوبختی» در ابتدای صحبت خود می‌گوید: "مخالفین ما چنین می‌گویند؛ دشمنان کلمه «مخالفین» را حذف می‌کنند و این عبارت را از قول او نقل می‌کنند.

این کارها بحث جدایی دارد، حال اگر فرصتی داشته باشیم یک شب در رابطه با همین قضیه که به «سعد بن عبدالله اشعری» و «نوبختی» و دیگران نسبت‌هایی داده شده جواب‌هایی بیان می‌کنیم.

مجری:

مطالب شما اشاره‌ای مختصر و مفید و به قول ما کپسولی به این سؤال بود. سؤال دوم آقای آقای در مورد انتقام‌گیری امام زمان از صاحبان مصائب حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. آیا ما اصلاً چنین چیزی داریم؟!؟

در رابطه با اینکه آیا انتقام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را می‌گیرند یا نه، در بعضی از روایات آمده است.

طبق آنچه در روایات ما وجود دارد زمانی که حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) می‌آیند، نواصب و کسانی که بنای نصب و عداوت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دارند را نابود می‌کند.

ما هفته گذشته در این خصوص بحث کردیم و روایات آن را در کتاب «تفسیر فرات کوفی» جلد اول صفحه ۲۹۳ خدمت آقایان نشان دادیم. در این کتاب وارد شده است:

«فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبٍ] عَلَيْهِ»

وقتی که حضرت قائم ظهور کنند تمام نواصب را نمی‌کشد.

«فَإِنْ أَقَرَّ بِالْإِسْلَامِ وَهُوَ [وَهُی] الْوَلَايَةُ»

حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) می‌فرمایند: اگر آن‌ها اسلامی که ولایت هم جزو اوست را قبول کردند، آن‌ها را نمی‌کشیم.

«وَالَّذِينَ ضُرِبَتْ عَنْقُهُمْ أَوْ أُقْرَبَ بِالْجِزْيَةِ»

اگر این افراد مسلمان نشدند گردنشان را می‌زنند یا از آن‌ها جزیه طلب می‌کنند.

تفسیر فرات الکوفی، نویسنده: کوفی، فرات بن ابراهیم، محقق / مصحح: کاظم، محمد، ص ۲۹۳، ح

۳۹۵

همچنین در رابطه با فرزندان قاتلین حضرت سید الشهدا (علیه السلام) یا کسانی که نسبت به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطالبی بیان کردیم. اگر کسی به ظلم راضی باشد، حضرت مهدی همین برخورد را با آن‌ها خواهند داشت.

در کتاب «عیون أخبار الرضا» جلد اول صفحه ۲۷۳ وارد شده است: حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) زراری قتل امام حسین (علیه السلام) و کسانی که در قتل آن بزرگوار سهیم بودند را می‌کشد؛

«وَأِنَّمَا يَفْتُلُهُمُ الْقَائِمُ عِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۲۷۳، ح ۵

حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) از میان فرزندان قاتلین امام حسین (علیه السلام) کسانی که به فعل پدرانشان راضی بودند را می‌کشند. مشابه این روایت در کتب عزیزان اهل سنت وارد شده است. در کتاب «تفسیر قرطبی» وارد شده است:

«قوله تعالى: (وقتلهم الأنبياء بغير حق) أي ونكتب قتلهم الأنبياء أي رضاهم بالقتل»

خداوند عالم این افراد را به خاطر اینکه به قتل انبیاء توسط پدرانشان راضی بودند آن‌ها را داخل آتش جهنم می‌برند.

«والمراد قتل أسلافهم الأنبياء»

پدران این افراد انبیاء را کشتند.

«لكن لما رضوا بذلك صحت الإضافة إليهم»

اما این افراد به کار پدرانشان راضی بودند خداوند عالم آن‌ها را وارد جهنم می‌کند.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب

– القاهرة، ج ٤، ص ٢٩٤، باب آل عمران: (١٨١) لقد سمع الله... ..

همچنین در کتاب «روح المعانی» اثر «ألوسی» جلد چهارم وارد شده است:

«ونسبة القتل إلى هؤلاء القائلين باعتبار الرضا بفعل القاتلين من أسلافهم»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسی البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي – بيروت، ج ٤، ص ١٤١، باب آل

عمران: (١٨١) لقد سمع الله... ..

این مطالب در کتاب تمام بزرگان اهل سنت وارد شده است. من در خدمت شما هستم.

مجری:

آقا جاسم از شادگان چهار سؤال پرسیدند، اما وقت بسیار کمی داریم. لطف کنید مختصر و مفید پاسخ بدهید.

سؤال اول ایشان در مورد شخصیت «ابن عربی» بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در رابطه با این افراد هیچ اظهار نظری نمی‌کنیم. بنده ۸ سال درس عرفان نزد مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی استاذزاده امام خواندم.

من همیشه می‌گفتم: هر مطلبی عرفا می‌گویند و ما طبق آن روایتی از معصومین و نبی گرامی اسلام داشته باشیم، ولو ضعیف باشد ما قبول می‌کنیم. اگر این روایات برخلاف روایات اهل بیت (علیهم السلام) باشد به دیوار می‌کوبیم و در زباله دانی می‌اندازیم.

همچنین اگر روایتی مخالف روایات اهل بیت (علیهم السلام) نباشد، ما آن را در بقعه انسان می‌گذاریم تا روایت صحیحی بیاید. بنده در این زمینه نه حاضر به ناسزاگویی نسبت به عرفا هستم و نه حاضر به تجلیل از آنها می‌باشم.

بنده اسفار و خارج اسفار را خواندم، همچنین کتب دیگر عرفا را چندین سال ورق زدم. این افراد طبق آیات و روایات حرف‌های درست و مکاشفات خوبی هم دارند، اما در کنار آن مکاشفات زشت، وقیح و نادرستی هم دارند.

هیچ شک و تردیدی نیست که این مکاشفه‌ای که عزیزم به آن اشاره کردند مکاشفه شیطانی است.

مجری:

ایشان در مورد سوره مبارکه «انشراح» سؤال پرسیدند و گفتند: آیا مراد از **(فَأَنْصَبْ)** وجود نازنین امیرالمؤمنین است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نه، به این صورت نیست. ایشان باید این سؤالات را از آقای «ملکی» دیگر آقایانی که در زمینه تفسیر فعالیت دارند سؤال کنند. ما سؤالات اعتقادی عزیزان را پاسخ می‌دهیم؛ گرچه الآن فرصت نیست که بنده اقوال

مفسرین شیعه و اهل سنت را در مورد آیه شریفه (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب) بیاورم. ما در قرآن کریم روایاتی در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داریم، اما اینکه آیا این روایات صحیح است یا صحیح نیست بحث جدایی دارد.

مجری:

ایشان در سؤال دیگری پرسیدند: آیا بحث ظهور در منابع اهل سنت وارد شده است، یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، کلمه «ظهور» الی ماشاءالله در منابع اهل سنت آمده است. در کتب اهل سنت وارد شده است که حضرت مهدی ظاهر می شود و جهان را پر از عدل و داد می کنند.

اگر تمایل داشته باشید در جلسه آینده روایاتی که در رابطه با مهدویت کلمه «یظهر» یا «یخرج» در کتب شیعه و اهل سنت وارد شده را بیان خواهیم کرد.

مجری:

ایشان در سؤال دیگری پرسیدند: آیا در منابع اهل سنت وارد شده که حضرت مهدی متولد می شود؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده تا به حال مشاهده نکردم اهل سنت روایتی از نبی مکرم اسلام بیاورند که تصریح کرده باشد: "سیولد فی آخر الزمان" و در کتبی که تا به حال مطالعه کردم به یک روایت ولو ضعیف در این زمینه برخورد نکردم.

مجری:

بنابراین اینکه اهل سنت معتقد هستند حضرت مهدی متولد می شود بر چه اساسی است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ایشان باید خود از حق خود دفاع کنند، ما وکیل مدافع آنها نیستیم. ما معتقدیم که این عقیده باطل است.

ما امروز بیان کردیم حدود ۳۰۰ روایت داریم که حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) فرزند امام عسکری (علیه السلام) بوده است و ۲۵۰ نفر از علمای اهل سنت به صراحت عقیده دارند که حضرت مهدی در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شده است.

این تعداد یک یا دو مورد نیستند، بلکه ۲۵۰ نفر از علمای اهل سنت بر این عقیده هستند. شما در هیچ یک از موارد اختلافی شیعه و سنی موردی پیدا نمی‌کنید که ۲۵۰ نفر از علمای اهل سنت عقیده شیعه را داشته باشند.

مجری:

استاد از شما خیلی ممنونم. فرصت برنامه ما به پایان رسیده است، ان شاءالله ما بحث خود را در یکشنبه شبها ادامه می‌دهیم و همچنین در جمعه شبها که اساتید بزرگوار در برنامه «گامی به سوی ظهور» تشریف می‌آورند مباحث مهدویت مفصلاً پاسخ داده خواهد شد.

استاد حسن ختام برنامه چند دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در همین فاصله که بنده جستجو کردم، مشاهده کردم در کتاب «کنز العمال» وارد شده است:

«يظهر المهدي على أفواه الناس»

کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، اسم المؤلف: علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الہندی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی،

ج ۱۴، ص ۲۴۹، ح ۳۹۶۶۵

علمای اهل سنت روایات متعددی دارند که نسبت به حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) کلمه «یظهر» و «ظهور» آمده است.

خدایا تو را قسم می‌دهم به آبروی حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم نزدیک بگردان. خدایا قلب نازنین حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) را با ظهورش مسرور بگردان.

خدایا به حق حضرت حجة بن الحسن رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران مخصوصاً عزیزان ما در عراق، سوریه، یمن و بحرین و دیگر بلاد اسلامی بنما.

خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن بر تمام بیماران از جمله بیماران مورد نظر شفای عاجل کرم فرما.

خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن آنچه صلاح دین و دنیا و آخرت ماست به ما ارزانی بدار.

خدایا شر اشرار را از سر مسلمانان و بلاد اسلامی دور بگردان. خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن بشریت را از شر وهابیت حفظ بفرما.

خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن شر وهابیتی که به دنبال ناامن کردن ایران، ایجاد آشوب و القای بعضی از شبهات در روز انتخابات هستند را به خودشان بازگردان.

خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن نعمت امنیت را تا ظهور حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) برای ما مستدام بدار.

خدایا آنان که علیه امنیت ما تلاش می‌کنند در هر لباس و منصبی و با هر قلم و بیانی هستند اگر قابل هدایت نیستند مفتضح و نابود بگردان.

خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خیلی از توجهتان و نگاههای مهربانتان که امشب برنامه زنده «اخلاق علوی» را همراهی کردید ممنونم. در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی علی باشید.

یا علی مدد، خدانگهدار